



علم به حقیقت اسم اعظم، نزد اولیایی است که مورد رضایت حقانند

دعاهایی که از شریعت و حاملان علم و حکمت به ما رسیده از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر بندگان است. به مناسبت ماه مبارک رمضان به شرح دعای سحر امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

دعاهایی که از شریعت و حاملان علم و حکمت به ما رسیده از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر بندگان است. به مناسبت ماه مبارک رمضان به شرح دعای سحر امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

به گزارش خبرنگار مهر، عارف عابد و زاهد سالک، سید بن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» از شیخ طوسی و ابن ابی قره از ایوب بن یقظین روایت می‌کند که پیرامون دعای سحر از امام رضا علیه السلام پرسش کرد؛ و حضرت رضا (ع) در پاسخ وی فرمودند: «این دعای ابوجعفر محمد بن علی الباقر علیهما السلام در سحرهای ماه مبارک رمضان بوده است.» و حضرت رضا (ع) ویژگی‌های زیر را در مورد دعای سحر از پدرشان از امام باقر (ع) نقل می‌فرمایند: بزرگی درخواستهای این دعا در درگاه حق تعالی، سرعت اجابت برای دعاکننده، وجود اسم اعظم در این دعا، دعای سحر از مکنون علم حق تعالی است، سفارش به حفظ این دعا از دسترسی ناهلان.

حضرت باقر (ع) در آخر کلام خویش این دعا را، دعای «مباهله» می‌خوانند. و دعای مباهله، از دعاهایی است که در اعمال روز بیست و چهارم ذی الحجة (روز مباهله) خوانده می‌شود و مشابه دعای سحر با اضافاتی است که از ائمه معصومین (ع) نقل شده است. و در کتابهای دعا مثل «مصباح المتهدج» شیخ طوسی (ره) و «البلد الامین» و «مصباح» کفعمی و «اقبال الاعمال» نقل شده است. حضرت امام خمینی در سن ۲۷ سالگی دعای سحر را شرح کرده‌اند.

در ادامه قسمت بیست و یکم شرح دعای سحر حضرت امام خمینی به نقل از ترجمه فارسی این کتاب تقدیم نگاه مخاطبان می‌شود:

هر فعلی از افعال در هر عالمی از عوالم که باشد فعل خداوند است که توسط ملائکه صورت می‌گیرد، حال یا به واسطه اعوان و سپاهیان آنان یا بدون واسطه. صدرالحکما و المتألّهین و شیخ العرفاء السالکین، رضی الله تعالی عنه، در اسفار اربعه می‌گوید:

برای کسی که در علم الهی و حکمت، که بالاتر از علوم طبیعی است، قدمی راسخ دارد جای شک نیست که موجودات همگی بدون زمان و مکان از فعل خداوند به وجود می‌آیند، اما در تسخیر قوا و نفوس و طبایع هستند و تنها خداست که زنده کننده و میراننده و روزی دهند و هدایت کننده و گمراه کننده است. اما، مباشر زنده کردن ملکی است به نام اسرافیل، و مباشر میراندن ملکی است به نام عزرائیل که روح‌ها را از بدن‌ها قبض می‌کند و بدن‌ها را از غذاها و غذاها را از خاک بیرون می‌کشد، و مباشر روزی ملکی است به نام میکائیل که مقدار و کیل و پیمانته غذاها را می‌داند، و مباشر هدایت ملکی است به نام جبرائیل، و مباشر گمراهی جوهری شیطنانی است و نه ملک به نام عزرائیل. هر یک از این ملائک یاران و سپاهیان دارند که قوای مسخر اوامر خداوند هستند. در دیگر افعال خداوند سبحان نیز مطلب به همین نحو است و اگر خداوند خود مباشر هر فعل بی ارزشی بود، خلق واسطه‌هایی که نازل کننده امر او در میان مخلوقاتش هستند از سوی او امری بیهوده و بیثمر می‌بود، حال آنکه خداوند برتر از آن است که در ملکش چیز بیهوده یا بدون استفاده‌ای خلق کند و چنین گمانی گمان کافران است.

اسمانی که برای هر رکن خلق شده‌اند، بر حسب امّهات و کلیات اسماء، سی اسم‌اند، ولی بر حسب جزئیات اسماء غیر قابل شمارش و نامتناهی‌اند. و این اسماء از نقطه عقل که نقطه الهی است به صورت نزولی تا هیولا و به صورت صعودی تا نقطه عقل، به منزله دایره‌ای هستند که دوازده برج یا دوازده ماه دارد و هر برج یا ماه سی درجه یا روز دارد تا اینکه عدد این‌ها به سیصد و شصت درجه یا روز برسد. این بود تمامی سخن در مورد اسم اعظم به حسب مقام خلق عینی.

اما علم به حقیقت اسم اعظم، از حیث لفظ و عبارت، نزد اولیایی است که مورد رضایت حق‌اند و در زمره علمای راسخ‌اند، ولی از سایر خلایق مخفی است. مطالبی هم که درباره حروف یا کلمات اسم اعظم در کتاب‌های عرفا و مشایخ قوم آمده یا بر گرفته از آثار نبوی است یا حاصل کشف و ریاضت آنان به هنگام خلوص از آلائش‌های سرای وحشت و ظلمت است؛ چنانچه از شیخ موید الدین جندی، یکی از شارحان فصوص، نقل شده است که از جمله اسم‌های اسم اعظم «هو الله المحیط و القدر و الحیّ و القیوم» است و از جمله حروف آن «ا، د، ذ، ر، ز، و» است. او گفته است: «شیخ کبیر در پاسخ سوال حکیم ترمذی این مطلب را بیان کرده است.»

شیخ کبیر نیز در فتوحات گفته است:

الف همان نفس رحمانی است که همان وجود منبسط است؛ دال حقیقت جسم کلی است؛ ذال تغذیه کننده است، راء حسّاس متحرک است، زاء ناطق است؛ و واو حقیقت مرتبه انسانی است. حقایق عالم ملک و شهادت که عالم کون و فساد نامیده می شود منحصر در این حروف است.

و شیخ محدث جلیل حاج شیخ عباس قمی، سلّمه الله تعالی، در کتاب مفاتیح الجنان میگوید: «در ذکر بعض آیات و دعاها نافع مختصره که انتخاب کردم از کتب معتبره: اول، سید اجل سید علی خان شیرازی، رضوان الله علیه، در کتاب کلم طیب نقل فرموده که اسم اعظم خدای تعالی آن است که افتتاح او «الله» و اختتام او به «هو» است و حروفش نقطه ندارد «ولا یتغیر قرائته اعراب ام لم یعرب (و چه اعراب گذاری شود و چه نشود قرائتش تغییر نمی کند)». و این در قرآن مجید در پنج آیه مبارکه از پنج سوره است. بقره و آل عمران و نساء و طه و تغابن.

شیخ مغربی در کتاب خود گفته: هر که این پنج آیه مبارکه را ورد خود قرار دهد و هر روز یازده مرتبه بخواند، هر آینه آسان شود برای او هر مهمی از کلی و جزئی به زودی، ان شاء الله تعالی. و آن پنج آیه این هاست:

۱. «الله لا اله الا هو الحی القيوم» تا آخر آیه الكرسي؛

۲. «الله لا اله الا هو الحی القيوم. نزل علیک الكتاب بالحقّ مصدّقاً لما بین یدیه و انزل التوراة و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل الفرقان»؛

۳. «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة لاریب فیه و من اصدق من الله حدیثاً»؛

۴. «الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی»؛

۵. «الله لا اله الا هو و علی الله فلیتوکل المؤمنون»؛

دنباله کلام و دستاورد

امید است در مورد نام های پروردگار و آیات آفریدگارت هدایت شده و در راه مستقیم قرار گرفته باشی و متوجه شده باشی که سلسله وجود و عالم غیب و شهود، از ملائکه مقربین و اصحاب یمین و فرشتگانی که صف آرابی کرده اند و تدبیر کنندگان امورند و فرشتگان موکل بر ابرها و کلیات عوالم از انواع موجودات [عالی و پست و جزئیات آن گرفته تا تاریکی های تار و سیاه هیولایی، همه و همه، نمود اسماء الهی هستند.

اکنون، با توفیق ملک منان به شرط تدبیر در اسماء خداوند و تفکر در آیات او و رهایی از زندان طبیعت و گشودن درهای بسته انسانیت باید دریابی که حقیقت «بسم الله الرحمن الرحیم» دارای مراتبی از وجود و مراحل از نزول و صعود است و به حسب عوالم و نشئه ها، حقایق متکثری دارد که در دل سالکان، به مناسبت مقامات و حالات آنان، تجلیاتی می کند. نیز بدان تسمیه ای که در آغاز هر سوره از سوره های قرآن آمده، به حسب حقیقت، غیر از تسمیه موجود در آغاز سوره دیگر است؛ یعنی بعضی از این تسمیه ها بزرگ اند و بعضی بزرگ تر، برخی محیط اند و برخی محاط، و حقیقت معنای تسمیه هر سوره از تدبیر در معنای آن سوره دانسته می شود.

بنابراین، آنچه برای گشایش اصل وجود و مراتب آن آمده غیر از آن است که برای گشایش مرتبه ای از مراتب وجود آمده است و این حقیقت را تنها راسخان در علم از اهل بیت وحی و نبوت می دانند و بس. از این رو، از امیرمؤمنان و سید موحدان، صلوات الله وسلامه علیه، روایت شده است که «انّ کلّ ما فی القرآن فی الفاتحة وکلّ ما فی الفاتحة فی بسم الله الرحمن الرحیم وکل ما فیه فی الباء، وکل ما فی الباء فی النقطة وانا نقطة تحت الباء؛ هرچه در قرآن آمده در سوره فاتحه هست و هرآنچه در فاتحه آمده در بسم الله الرحمن الرحیم گرد آمده و هر چه در بسم الله است در با و هر چه در با است در نقطه آن است. من نقطه زیر با هستم». البته، این خصوصیت در دیگر تسمیه ها نیست، زیرا فاتحه کتاب به طریق تفصیل مشتمل بر تمام سلسله وجود و قوس نزول و صعود است از آغاز تا خاتمه آن و از «الحمد لله» تا «یوم الدین». همه حالات بنده و مقامات او نیز در قول خداوند «ایاک نعبد» تا آخر سوره مبارکه درج شده است و تمام دایره ای که به طور تفصیل در فاتحه آمده است در «الرحمن الرحیم» به طور جمع و در «اسم» به طریق جمع الجمع و در «با» که الف ذات در آن نهان است به طریق احدیت جمع الجمع و در نقطه زیر «با» که در آن تمام دایره وجود جاری است به طریق احدیت سرّ جمع الجمع آمده است. و این احاطه و اطلاق جز در آغاز فاتحه کتاب

نیست که با آن وجود آغاز شد و عابد با معبود مرتبط گشت.